

ایمان به فرشتگان و تأثیر آن در زندگی امت اسلام

تألیف:

دکتر صالح بن فوزان الفوزان

عضو هیئت کبار علماء

و عضو کمیسیون فتوی در عربستان سعودی

ترجمه

اسحاق دبیری (رحمه الله)

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam۴۱۱.com

www.videofarda.com

فهرست

۱	فهرست
۳	مقدمه مترجم
۵	مقدمه نویسنده
۹	ایمان به فرشتگان یعنی چه؟
۹	فرشتگان از چه چیزی آفریده شده اند
۹	صفات فرشتگان
۱۶	کارهاییکه فرشتگان به آن مکلفند
۱۶	بعضی از اعمال و کردار فرشتگان
۱۷	تعداد حمل کنندگان عرش
۱۸	الروح، چند معنی دارد
۲۰	صفات جبریل
۲۶	هر انسان دو فرشته با اوست
۲۸	فرشتگان نیت و قصد انسانها را می نویسند
۲۸	منزلت و مکانت نماز صبح و نماز عصر در بین نمازهای دیگر
	دعوتی بسوی کسانیکه در کار و تکالیف شرعی کوتاهی و سستی می کنند
۲۹	
۳۲	وجوب ایمان به فرشتگان و به آنچه انجام می دهند
۳۳	اختلافاتی که بین عمل فرشتگان و عمل شیاطین وجود دارد
۳۵	جاهائیکه فرشتگان به آنجا می روند

-
- ۳۶ جاهائیکه شیاطین به آنجا می روند.....
- ۳۸ نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان.....
- ۳۹ هیچ چیز از خدا پنهان نخواهد بود.....
- ۴۲ به خاطر دوست داشتن فرشتگان آنان را یادآوری می کنیم.....

مقدمه مترجم

جهان فرشتگان غیر از جهان انس و جن می باشد، جهان پاکی و خوشی و صفا است، و آنها مخلوقاتی با تقوی هستند، خدا را به حق عبادت می کنند، و آنچه به آنها امر شود انجام می دهند و به هیچ وجه مصعیت خدا را نمی کنند.

ایمان به فرشتگان یکی از اصول ایمان به خداست، و ایمان بنده کامل نمی شود مگر با ایمان آوردن به فرشتگان خدا، باری تعالی می فرماید:

﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ ۚ وَكُتُبِهِ ۚ وَرُسُلِهِ ۚ﴾. [البقرة: ۲۸۵].

«رسول(خدا) به آنچه از(سوی) پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان(هم)، هریک به خداوند و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش ایمان آوردند».

ایمان داشتن به فرشتگان مترتب بر چند چیز خواهد بود: تصدیق کردن بوجود آنها، مقام و منزلت آنها، اینکه آنها مانند انس و جن از بندگان و مخلوقات خدایند، اینکه هیچ عملی نمی توانند انجام دهند مگر بفرمان خدا، به هیچ وجه بخدا شرک نمی آورند، عرش با عظمت خدا را حمل می کنند، بزرگترین و عظیمترین سربازان خدایند، و غیر از اینها.

و ما این کتاب مهم که از جهان فرشتگان سخن می گوید ترجمه کردیم تا از زندگی پربار آنها با خبر شده برایمان سرمشقی در پیروی از اسلام پاک از هر شائبه شود.

مقدمه نویسنده

الحمد لله رب العالمين وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه
أجمعين.

أما بعد:

در حقیقت ایمان مسئله ای بسیار بزرگ است، زیرا اساس و بنیانی
است که سعادت دنیا و آخرت بر آن بنیاد نهاده شده است و از بزرگترین
مراتب دین است.

هنگامیکه جبریل در حضور صحابه نزد حضرت رسول اکرم (ص) آمد
و در مورد اسلام و ایمان و احسان پرسید، گفت ای محمد! در مورد اسلام
به من بگو، رسول اکرم ﷺ فرمود: «الإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ
اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا». [ابن خزیمه ودارقطنی].

اسلام عبارتست از: گواهی دهی و یقین نمائی که معبودی بحق جز
خدای یکتا نیست، و محمد فرستاده خداست، و نماز را بر پا داری، و
زکات بدهی، و ماه مبارک رمضان را روزه بگیری، و به حج خانه خدا
بروی اگر توانائی راه آنرا از قبیل توشه و سواری و غیره داری.

پس آنحضرت ﷺ اسلام را به انجام ارکان پنجگانه فوق تفسیر نمود،
جبریل در جواب گفت: راست گفتی. پس: در مورد ایمان به من بگو.
حضرت رسول (ص) فرمود: ایمان عبارت است از این که: به یگانگی
خداوند - در ذات و صفات و أفعالش - و به فرشتگان، و کتابهای خدا - که

بر پیامبران نازل شده است - و پیغمبران خدا - که برای راهنمایی بشر آنان را فرستاده است - و روز قیامت - و آنچه مشتمل است بر آن از جزای اعمال و زندگی پس از مرگ و حساب و بهشت و دوزخ - و سرنوشت یعنی تقدیر به خیر و شر همگی اینها ایمان بیاوری. پس آنحضرت ﷺ ایمان را به تصدیق به ارکان ششگانه بالا تفسیر نمود، جبریل گفت: در مورد احسان به من بگو. آن حضرت فرمودند: نکوکاری عبارت است از این که: طوری خدا را عبادت و بندگی کنی که گویا خدا را می بینی، و اگر تو خدا را نمی بینی این یقین را داشته باش که خدا تو را می بیند.

آنحضرت ﷺ بیان کرد که نکوکاری فقط یک رکن دارد و آن اینکه خدا را بگونه ای عبادت کنی که او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

پس اینها مراتب سه گانه دین است: اسلام، ایمان، و نیکوکاری، هر مرتبه ای از مراتب آن رکنی دارد، و رکن هر چیز ستون آن چیز است که بر آن ایستاده و پا برجاست، و رکن خانه ستونی است که خانه بر آن بنا شده است.

پس ایمان بر شش رکن و ستون استوار است، که اگر یکی از ارکان آن سقوط کند انسان مؤمن نخواهد بود زیرا یکی از ارکان و ستونهای آنرا از دست داده است.

پس ایمان فقط بر ارکانش استوار است، چنانکه ساختمان بجز بر ارکان و ستونهای خودش ثابت و استوار نخواهد شد.

و این ارکان ششگانه در قرآن ذکر شده است، گاهی ارکان ششگانه یکجا در قرآن ذکر شده است، و گاهی بعضی از آنها فقط ذکر شده است، چنانکه باری تعالی می فرماید: ﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

«بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد».

در این آیه خدا پنج رکن از ارکان ایمان را ذکر نموده است.

و همچنین خداوند می فرماید: ﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ﴾ [البقرة: ۲۸۵].

«رسول(خدا) به آنچه از(سوی) پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان(هم). هر یک به خداوند و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش ایمان آورده اند (وگفتند: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم».

در آیه کریمه گذشته چهار رکن از ارکان ایمان ذکر شده است.

و گاهی باری تعالی دو رکن آن را بیان می‌رmaid و آنهم: ایمان به خدا و روز رستاخیز، چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰلِحِينَ وَالصَّٰبِرِينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقره: ۶۲].

«به راستی کسانی از مؤمنان و یهودیان و ترسایان و صابئین که به خدا و روز قیامت ایمان آوردند».

اما ایمان به سرنوشت و تقدیر را خداوند در دو آیه ذکر نموده است:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹] «ما هر چیز را که آفریدیم به قدر و اندازه و از روی تقدیر بود».

و ﴿خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ [الفرقان: ۲].

«همه چیز را آفریده است، آنگاه چنانکه می‌باید آنها را به اندازه مقرر کرده است».

ایمان به فرشتگان یعنی چه؟

مطلب مورد بحث ما در اینجا ایمان به فرشتگان است که یکی از ارکان ششگانه ایمان می باشد و معنی آن: تصدیق به وجود آنها و تصدیق به اعمال و کردار آنهاست که در دنیا و آخرت انجام می دهند. و فرشتگان خلقی از مخلوقات خدایند، خداوند آنانرا برای عبادت خودش و انجام دستورهایش در دنیای هستی آفریده است، آنان را برای اجرای دستورات خود می فرستد، و آنان مخلوقاتی از عالم غیب هستند که ما آنها را با چشم مشاهده نمی کنیم، لیکن به آنها ایمان قطعی داریم که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد، زیرا خداوند و رسول الله ﷺ از آنها بطور قطعی خبر داده اند تا ما بطور یقین به آنها ایمان آوریم.

فرشتگان از چه چیزی آفریده شده اند

فرشتگان از نور آفریده شده اند چنانکه در حدیث آمده که خداوند سبحانه فرشتگان را از نور و ابلیس را از آتش و بنی آدم را از گل آفریده است.

صفات فرشتگان

فرشتگان خلقی از مخلوقات خدا از عالم غیب هستند و هیچ کس غیر از خدا تعداد و چگونگی آنانرا نمی داند.
بعضی از صفات فرشتگان عبارتند از:
اولاً: آنها بزرگترین و عظیمترین سربازان خدایند.

﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [الفتح: ۴]

«سپاههای آسمانها و زمین از آن خداوند است».

و هنگامیکه خداوند صحبت از نگهبانان جهنم می کند می فرماید:

﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشْرَ﴾ [المدثر: ۳۰]

«بر آن نوزده (نگهبان) گمارده شده اند».

و می فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ

إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾ [المدثر: ۳۱].

«و جز فرشتگان را موکلان آتش (دوزخ) نساخته ایم. و شمار آنان را

برای کافران جز آزمون قرار نداده ایم».

و اصحاب جهنم: نگهبانان آتش هستند، یعنی در جهنم نوزده فرشته بر

آتش پاسبانی می دهند، و آنرا روشن کرده امور آن را بدست دارند.

یکی از کفار وقتی تعداد نگهبانان آتش را شنید - بنحیال او که تعدادشان

کم است - گفت: من بر آنها چنین و چنان می کنم، یعنی وقتی داخل جهنم

شدم با آنها جنگ کرده بر آنان غلبه می کنم و از آتش بیرون می آیم، آنها هم

از باب مسخره و استهزاء این سخنان را گفت. باری تعالی در جواب وی

فرمود: ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً﴾ [المدثر: ۳۱].

«و جز فرشتگان را موکلان آتش (دوزخ) نساخته ایم».

یعنی آنها از بشر نیستند بلکه فرشته اند.

اگر این شخص با خود می گوید که من قدرتمند و شجاع هستم و جلوی چندین نفر از بشر مقاومت می کنم، نمی تواند مقابل یکی از فرشتگان بایستد.

باری تعالی می فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً﴾ [المدرثر:

[۳۱].

«ما پاسبانان جهنم را قرار ندادیم مگر فرشتگان».

یعنی آنان را از جن و انس قرار نداده است.

و می فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا

فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا

وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ﴾ [المدرثر: ۳۱].

«و جز فرشتگان را موکلان آتش (دوزخ) نساخته ایم. و شمار آنان را

برای کافران جز آزمون قرار نداده ایم. تا اهل کتاب یقین حاصل کنند. و تا

مؤمنان مؤمن تر شوند، و تا اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند».

و می فرماید: ﴿وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ﴾ یعنی کفار ﴿مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ

بِهَذَا مَثَلًا﴾ [المدرثر: ۳۱].

«و بی مار دلان و کافران نگویند: خداوند به ایم مثل چه خواسته

است؟».

پس آنان تهمت زده و تعداد فرشتگان را کم می دانند و می گویند: چگونه این آتش بزرگ که در آن تمامی مخلوقات خداست فقط نوزده فرشته بر آن پاسبانی می دهد؟

باری تعالی در جواب می فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ

كَفَرُوا﴾ [المدثر: ۳۱].

«و شمار آنان را برای کافران جز آزمون قرار نداده ایم».

پس هیچ کس بزرگی فرشتگان و آنچه در زمین و آسمان از نگهبانان و پاسبانان است، غیر از خدا کسی دیگر نمی داند نه کفار و نه غیر از کفار.

دوم: خلقت فرشتگان خلقتی عظیم و بزرگ است چنانکه خداوند می

فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِ رُسُلًا أُولَىٰ

أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلُثَ وَرُبْعَ﴾ [فاطر: ۱].

«ستایش خدای راست، پدید آورنده آسمانها و زمین، (کسی که)

فرشتگان را پیام آوران دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه گرداند».

یعنی بعضی از فرشتگان دو بال دارد، و بعضی دیگر سه و یا چهار بال

دارد، و بعضی از آنها بالهای بیشتری دارند.

چنانکه رسول الله ﷺ جبریل را دید که ششصد بال داشت و هر بال آن

افق را پوشانیده بود.

این یک فرشته از فرشتگان است که خداوند آنرا قوی قدرتمند توصیف

نموده، چنانکه می فرماید: ﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى﴾ [النجم: ۵].

«او را (فرشته) بس توانمند آموزش داده است».

و می فرماید: ﴿ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى﴾ [النجم: ۶].

«(فرشته ای) نیرومند. آنگاه (فرارویش) راست و درست ایستاد»، یعنی

قوی و خوش اندام می باشد.

سوم: فرشتگان به اجازه خداوند قدرتمند هستند و دلیل بر توانائی و قدرتمندی آنان این است که اگر خداوند به یکی از آنان فرمان دهد در جهان فریاد می کشد و تمامی خلق هلاک می شوند، چنانکه بر قوم ثمود چنین آمد و بوسیله فریاد فرشته همه هلاک شدند. جبریل فریادی بر آنان زد چنانکه باری تعالی می فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا

كَهَشِيمٍ الْمُحْتَظِرِ﴾ [القمر: ۳۱].

«بی گمان ما بانگ مرگباری بر آنان فرستادیم، در نتیجه مانند خاشاکی

شدند که از سایه بان ساز بازماند».

پس قلبهای شان از درونشان کنده شد و مردند و خاشاکی بیش از آنها

باقی نماند.

عادت بادیه نشینان عرب این بود که اگر به جائی کوچ می کردند در آنجا همیزم

جمع کرده و از آن آغل (حصاری) برای گوسفندان و حیوانات خود درست می

کردند تا از حیوانات دیگر محفوظ بمانند، و این هیزم خشک شده و تبدیل به خس و خاشاک می شد.

پس قوم ثمود با وجود قدرت و توانائی و نیروی زیادی که از آن برخوردار بودند بر اثر شنیدن آواز هولناک یکی از فرشتگان مانند این هیزم های خشک به خس و خاشاک تبدیل شدند.

و این جبریل علیه السلام بود که خداوند به او فرمان داد تا قریه های قوم لوط که هفت دهکده بود و در آن بشر و ساختمانها و توشه و حیوانات خیلی زیادی وجود داشت آنان را بر طرف بال خود حمل نماید و بالا برد تا اینکه فرشتگانی که در آسمان بودند صدای سگها و اذان خروس های آنان را شنیدند، سپس آنان را از آنجا وارونه کرده به زمین انداخت، و این نمونه ای از قدرت و قوت فرشتگان علیهم السلام می باشد.

إسرافیل مأمور به دمیدن در صور است و آنهم شاخ و شیپوری است که ارواح بنی آدم از اول تا آخر آنها در آن جمع شده است سپس إسرافیل علیه السلام یکبار در آن می دمد و تمامی ارواح بنی آدم از آن شیپور پرواز کرده به اجساد و بدن آنها داخل می شود و این دمیدن بعثت یعنی برخاستن می باشد و قبل از این دمیدن، دمیدن بی هوشی است، و با این دمیدن هر چه در دنیا بین زمین و آسمان است از بین می رود، و می میرد بجز آنچه خدا بخواهد.

خداوند می فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي

﴿الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ﴾ [الزمر: ۶۸].

«و در (صور) دمیده شود، آنگاه آسمانیان و زمینیان (همگی) بمیرند. مگر کسی که خداوند خواسته است».

سپس بار دیگر در آن شیپور دمیده شد و آن دمیدن زنده شدن است:

﴿فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: ۶۸].

«آنگاه است که آنان ایستادگانی خواهند بود که می نگرند».

این یکی از فرشتگان خداوند است، و این یکی از کارهای اوست که

خداوند به او فرمان می دهد.

پس فرشتگان مخلوق بزرگی از مخلوقات خدایند، و آنان را برای

عبادت خود و انجام دستورات خود آفریده است.

خداوند می فرماید: ﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ﴾ [۲۱]

﴿بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [۲۷] يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا

لِمَنْ أَرَادَ تَضِيُّهُ وَهُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۶ - ۲۸].

«بلکه (آن فرشتگان) بندگان گرامی اند. در هیچ سخنی بر او پیشی نمی

گیرند، و آنان به فرمان او کار می کنند. آینده و گذشته آنان را می داند و

شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که (خداوند) بپسندد و آنان از بیم او در

هراسند».

و این توصیفی برای فرشتگان است.

کارهایی که فرشتگان به آن مکلفند

فرشتگان کارهایی دارند و هر یک از آنها مکلف به عمل معینی هستند و هیچ تأخیری در انجام آن کار را نمی کنند، بلکه فوراً آنرا انجام داده و خداوند را نافرمانی نمی کنند.

خداوند می فرماید: ﴿عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ

وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾ [التحریم: ۶].

«بر آنان فرشتگان درشتخو و سخت رو (گمارده اند) که خداوند را در آنچه به آنان فرمان دهد، نافرمانی نکنند. و آنچه را که فرمان می یابند، انجام می دهند».

بعضی از اعمال و کردار فرشتگان

اولاً: فرشتگانی هستند که مأمور جهنمند و نام آنان نگهبان است، و موکل به آتش و تعذیب جهنمیان می باشند.

دوم: فرشتگانی هستند که مأمور به حمل عرش خداوند سبحانه و تعالی می باشند، چنانکه خداوند می فرماید: ﴿الَّذِينَ تَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا﴾ [غافر: ۷].

«کسانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می خواهند(می گویند): پروردگارا، بخشایش و دانش تو همه چیز را فراگرفته است. پس آنان را که توبه کرده اند، بیامرز.»

و همچنین می فرماید: ﴿وَحَمَلُ عَرْشِ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ﴾

[الحاقه: ۱۷].

«و آن روز هشت (تن از فرشتگان) عرش پروردگارا را بر فرازشان بر

می دارند.»

تعداد حمل کنندگان عرش

حمل کنندگان عرش چهار فرشته اند و روز قیامت تعداد آنان زیاد شده

به هشت فرشته می رسند.

و عرش خداوند از بزرگترین مخلوقات خداست که روز قیامت هشت

فرشته آنرا حمل می کنند.

و این بر قدرت و توانائی فرشتگان دلالت دارد، زیرا آنان این عرش

بزرگ را که از بزرگترین مخلوقات خدا است بر دوش خود حمل می کنند.

سوم: و تعدادی از فرشتگان مأمور وحی هستند چنانکه خداوند می

فرماید: ﴿يُنزِلُ الْمَلَكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ

أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ﴾ [النحل: ۲].

«به اراده خویش فرشتگان را با وحی بر هرکس از بندگانش که بخواهد، نازل می کند (با این پیام) که: هشدار دهید: هیچ معبود (حقی) جز من نیست، پس از من پروا بدارید».

الروح. چند معنی دارد

که از جمله معانی آنها چنین است:

روح بمعنی: وحی، و آنرا روح نامیده اند زیرا قلبها را زنده می کند چنانکه باران زمین را زنده می کند، و چنانکه روح و جان آفریده شده بدن حیوانات را زنده می کند.

روح بمعنی: قرآن، خداوند سبحانه می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا﴾ [الشوری: ۵۲].

«و همچنین (قرآن را به مثابه) روحی از کلام خود به تو وحی کردیم».

در این آیه روح بمعنی قرآن است، زیرا بوسیله قرآن دلهای اهل ایمان زنده می شود، همانطوریکه زمین با باران زنده می شود دلهای مؤمنان با قرآن زنده می شود.

و روح بمعنی: جبریل است، و او بزرگترین و بهترین و شرافتمندترین فرشتگان است که قرآن را از نزد خداوند عز و جل بر محمد (ص) نازل فرموده است.

خداوند جل شأنه می فرماید: ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۲﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۳﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿۱۹۴﴾﴾ [الشعراء: ۱۹۳ - ۱۹۵].
 «روح الامین آن را فرود آورده است. بر دل تو تا از هشداردهندگان باشی. به زبان عربی روشن».

پس جبریل قرآن را بر قلب پیامبر ﷺ نازل کرد و پیامبر ﷺ آنرا بر امت خود تبلیغ فرمود.

خداوند تعالی در آیه دیگر می فرماید: ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ﴾ [النحل: ۱۰۲].

«بگو ای رسول خدا که: روح پاک یعنی جبریل قرآن را از نزد پروردگارت فرود آورد».
 یعنی جبریل روح القدس است.

صفات جبریل

خداوند جبریل را به صفت‌های عظیم و بزرگی توصیف فرموده: و می فرماید:

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ﴿١٥﴾ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ﴿١٧﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾﴾ [التکویر: ۱۵ - ۲۱].

«پس سوگند می خورم به ستارگان باز گردنده. (ستارگان) سیارِ نهان شونده. و به شب چون بازگردد. و به صبح چون بدمد. بی گمان آن برخوانده فرستاده ای بزرگوار است. توانمند به نزد صاحبِ عرش، صاحب منزلت. فرمانبرداری شده در آنجا. امین.»

صفت اول: قدرت.

چنانکه خداوند می فرماید: ﴿ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾﴾ [التکویر: ۲۰].

«توانمند به نزد صاحبِ عرش»، «ذِي الْعَرْشِ» «صاحبِ عرش»، «ذِي قُوَّةٍ» «فرشتهٔ توانمند». این صفت جبریل است.

صفت دوم: منزلت «مکین». «نزد پروردگار صاحبِ عرش دارای منزلت و مکان است.»

یعنی صاحبِ منزلت و مکان نزد خداوند که کسی غیر از او به چنین مقام و منزلتی نمی رسد.

صفت سوم: طاعت «مُطَاعٍ». «در بین فرشتگان فرمانروا (فرمانده) است». تمامی فرشتگان به امر و فرمان خداوند از جبریل اطاعت می کنند. صفت چهارم: امانت «أَمِينٍ». «در حمل قرآن و تبلیغ آن به رسول الله ﷺ و آنچه به او امر شود امین است».

یعنی بر وحی امین است، هیچ چیزی از آنرا کم و زیاد نمی کند بلکه آنرا همچنانکه خداوند نازل کرده می رساند.

محمد ﷺ جبریل را مشاهده نمود: خداوند می فرماید: ﴿وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ﴾ [التکویر: ۲۲].

«دوست و هم صحبت شما که در میان شما بزرگ شده و او را شناخته و ستوده اید (رسول اکرم ﷺ) دیوانه نیست و هرگز امکان دیوانگی برای او نیست».

چنانکه کفار می گفتند: محمد ﷺ دیوانه است.

﴿وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ﴾ [التکویر: ۲۳]

«به راستی (او) آن (فرشته) را در کرانه آشکار آسمان دید».

محمد ﷺ دو بار جبریل علیه السلام را در افق مشاهده کرد.

بار اول در بطحاء مکه (یکی از محله های شهر مکه)، وقتی سر خود را بلند کرد او را در ابرهای آسمان دید که ششصد بال دارد و هر بالی افق را پوشانیده است.

بار دوم: خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ﴿١٤﴾﴾ [النجم: ۱۳ - ۱۴].

«و به راستی او را باری دیگر دیده بود. در نزد سدره المنتهی (یعنی جبریل را) رسول مشاهده کرد.»
 (و آن در محلی است که منتهی و آخر عروج به آسمان است و فرشتگان و ارواح شهداء و پرهیزکاران از آن بالاتر نروند).
 رسول الله ﷺ در شب معراج در آسمان چنانکه خداوند جبریل را آفریده او را دید.

آنچه گذشت بعضی از صفات جبریل بود.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾﴾ [الحاقه: ۴۰].
 «قرآن کلام خدا گفتار پیغمبری بزرگوار است.»

یعنی قرآن کلام خداوند سبحانه و تعالی است ولی در اینجا به جبریل منسوب داده شده زیرا او به محمد ﷺ رسانیده است، پس او مبلغی از طرف خداوند است و آنرا به پیغمبر اکرم ﷺ رسانیده و آن کلام خداوند می‌باشد. و سخن به کسی اضافه می‌شود که در آغاز آنرا گفته باشد، نه کسی که آنرا به کسی دیگر ابلاغ کند، ولی اینجا به جبریل منسوب شده چون وی ابلاغ کننده است.

چهارم: فرشتگانی هستند که مأمورند به اعمال و کردار دیگرند مانند:

۱- میکائیل مأمور است به نزول باران از آسمان که آنرا سوق می دهد در حالیکه خداوند سبحانه به او فرمان داده است.

۲- اِسْرَافیل که مأمور به دمیدن در شیپور است وقتی خدای تعالی بخواهد مردم را از قبرهایشان برانگیزد و جسدها از قبرها می رویند و کامل می شوند و چیزی بجز روح باقی نمی ماند، در این وقت اِسْرَافیل به فرمان خداوند در شیپور می دمَد و ارواح به اجسادی داخل می شود که از قبرها روئیده بود و بلند شده بودند، سپس به جایی که خداوند به آنان فرمان داده می روند.

خداوند تعالی می فرماید: ﴿يَوْمَ تَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ

نُصْبٍ يُوفُضُونَ ﴿٤٣﴾ [المعارج: ٤٣].

«روزی که از گورها شتابان بیرون آیند که گوئی آنان به سوی نشانه

(بتهایی که می پرستیدند) می دونند».

همچنان باری تعالی می فرماید: ﴿خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ تَخْرُجُونَ مِنَ

الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ ﴿٧﴾ مُهْطِعِينَ إِلَىٰ الدَّاعِ ۗ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا

يَوْمَ عَسِرُ ﴿٨﴾ [القمر: ٧ - ٨].

«در حالی که دیدگانشان فرو هشته باشد. از گورها چنان بیرون می آیند که

گوئی آنان ملخهای پراکنده اند».

این سه فرشته مأمور زندگی و حیات هستند پس: جبریل مأمور وحی است که با آن قلبها زنده میشود، و میکائیل مأمور باران است که زمین را بعد از مردن زنده می کند، و اِسْرَافیل مأمور دمیدن در صور (شیپور) است که اجساد را از قبرها زنده می کند. به همین خاطر رسول اکرم ﷺ در نماز شب وقتی در شب برای خواندن نماز بلند می شد بعد از تکبیر تحریمه چنین می گفت: «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائيلَ وَإِسْرَافيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» [مسلم].

«خدایا، ای پروردگار جبریل و میکائیل، آفریننده آسمانها و زمین، تا آخر این دعاء». پس اینها عظیمترین فرشتگان هستند بخاطر بزرگی مأموریت آنها.


پنجم: فرشتگانی هستند که مأمورند به نطفه در شکم مادر چنانکه در حدیث عبدالله بن مسعود آمده که گفت: «حدثنا رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو الصادق المصدوق: إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ، فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ، وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: بِكُتِبَ رِزْقُهُ وَأَجَلُهُ وَعَمَلُهُ وَشَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ» [متفق علیه].

فرستاده خدا ﷺ بما فرمود و اوست پیغمبر راستگو و تصدیق شده: «محققاً خلقت یکی از شما در شکم مادرش چنین انجام می گیرد: چهل روز بحالت نطفه است، پس از آن لخته ای از خون می شود در چهل روز، پس از آن تکه گوشتی می شود در چنین مدتی، پس از سه چهل روز (که جمعاً صد و بیست روز خواهد بود) خداوند فرشته ای بسوی او می فرستد

تا در آن روح بدمد، و فرشته مأمور است به نوشتن چهار کلمه: نوشتن روزیش، مدت عمرش، کردارش، و اینکه بدبخت یا نیک بخت است.» خداوند سبحانه و تعالی این فرشته را به این امر مهم و بزرگ به طرف او می فرستد.

ششم: و فرشتگانی هستند که به قبض و گرفتن روح و جانها مأمورند تا اینکه عمر او پایان یابد، و در اینجا (ملک الموت) فرشته مرگ است، چنانکه خدا می فرماید: ﴿قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ﴾ [السجدة: ۱۱].

«بگو: فرشته (مأمور) مرگی جانتان را می ستاند.»

و فرشته مرگ (ملک الموت) با خود همراهانی دارد، چنانکه خداوند می فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ﴾  ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَانَهُمْ الْحَقِّقُ﴾ [الأنعام: ۶۱ - ۶۲].

«تا وقتی که مرگ کسی از شما فرا رسد. فرستادگان ما روح او را بگیرند. و آنان کوتاهی نمی کنند. آنگاه به سوی خدا سرور راستینشان بازگردانده شوند.»

و مرگ به فرشتگان و به فرشته مرگ (ملک الموت) و به خداوند نسبت

داده شده است: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ [الزمر: ۴۲].

«خداوند جانها را به هنگام مرگشان می ستاند.»

و اینجا مرگ به خداوند نسبت داده شده، زیرا او سبحانه به آن امر فرموده و به فرشتگان نسبت داده شده، زیرا آنان هستند که جان را از بدن جمع کرده تا اینکه به حلقوم برسد و به (ملک الموت) فرشته مرگ نسبت داده شده: ﴿قُلْ يَتَوَفَّنُكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ﴾ [السجدة: ۱۱].

زیرا او روح را قبض می کند در حالیکه در حلقوم جمع شده است. هفتم: فرشتگانی هستند که به حفظ و نگهداری اعمال و کردار بنی آدم مأمورند، چنانکه در حدیث آمده: «يَتَعَاقِبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ» [متفق علیه].

فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می شوند، گروهی شب می آیند و گروهی روز می آیند. و خداوند می فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَتِيبِينَ ﴿۱۱﴾ يَعْمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [الإنفطار: ۱۰ - ۱۲]. «و بی گمان نگهبانان بر شما گمارده شده اند. نگارندگانِ گرانقدر. آنچه را که می کنید می دانند».

هر انسان دو فرشته با اوست

بر هر یک از انسانها دو فرشته مأموریت دارد، یکی بر سمت راست حسنات و نیکی های او را می نویسد، و دیگری در سمت چپ او بدیها را می نویسد، چنانکه خداوند می فرماید:

﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ

قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿٨﴾﴾ [ق: ۱۷ - ۱۸].

«وقتی دو فراگیرنده ای که در سمت راست و سمت چپ نشسته اند، فراگیرند. هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر آنکه نزدش نگهبانی آماده (حضور) دارد».

این فرشتگان در سفر و در اقامت با انسان هستند، و در تمامی احوال، در نماز در سجود با او هستند و او را ترک نمی کنند مگر در بعضی از حالات خاصی مانند قضای حاجت، و آنان گفتار و کردار او را می نویسند.

فرشتگان نیت و قصد انسانها را می نویسند

و در حدیث وارد است که نیت و قصد آنچه در قلب بنی آدم است، و آنرا در قلب می گوید، و آنچه نیت می کند که آنرا انجام دهد فرشته آنرا می نویسد.

به همین خاطر انسان اگر نیت نیک نماید ثوابش به او می رسد، و بر نیت بد نیز مجازات می شود، زیرا نیت عمل قلبی است.

فرشتگان مأمورند بر انسان از وقتی که به سن بلوغ برسد تا اینکه از دنیا برود و آنان آنچه در دنیا از نیت و کردار و گفتار انجام داده می نویسند.

منزلت و مکانت نماز صبح و نماز عصر در بین نمازهای دیگر

رسول الله ﷺ فرمودند: «يَتَعَاقِبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ يَجْتَمِعُونَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ وَفِي صَلَاةِ الْفَجْرِ...». [متفق علیه].

فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می شوند، گروهی شب می آیند و گروهی روز می آیند، و اینها صبح و عصر با هم یک جا جمع می شوند.

باری تعالی می فرماید: ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ یعنی نماز صبح. ومی فرماید:

﴿إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ [الإسراء: ۷۸].

«بی گمان قرآن خواندن فجر (نماز صبح) با حضور فرشتگان است.»

فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر می شوند، و به قرآنی که در نماز تلاوت می شود گوش می دهند، و در نماز عصر حاضر با هم جمع می شوند خداوند در حالیکه حال انسانها را از فرشتگان بهتر می داند از آنها سؤال می کند: چگونه و در چه حالی بندگانم را ترک کردید؟ آنها می گویند: آنها را ترک کردیم در حالیکه نماز می خواندند، و به آنان وارد شدیم در حالی که نماز می خواندند. یعنی فرشتگان نازل شدند و ما در نماز عصر بودیم، و با ما در نماز حاضر بودند، و بالا رفتند در حالیکه ما در نماز صبح بودیم، و به اینخاطر نماز عصر، نماز وسطی یعنی میانه نامیده شده است که خداوند بر آن تشویق کرده می فرماید:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ [البقرة: ۲۳۸].

«بر (گزاردن) نمازها و (بویژه) نماز میانه (عصر) پایبند باشید».

یعنی نماز عصر زیرا فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر می شوند.

دعوتی بسوی کسانی که در کار و تکالیف شرعی کوتاهی و سستی می کنند

کجا هستند کسانی که از نماز صبح تخلف کرده بر فراش خود می خوابند و این منظر بزرگ را در هر شب با فرشتگان خدا مشاهده نمی کنند، فرشتگان خدا در عالم بالا (عالم ارواح مجرده) از آنان خبر می دهند که: بر آنان وارد

شدیم در حالی که در نماز بودند، و آنان را ترک کردیم در حالی که در نماز بودند، چه فایده ای می کند کسیکه از نماز صبح تخلف کرده و خواب را بر نماز ترجیح می دهد، و چه فایده ای می کند کسیکه از نماز عصر سستی و کوتاهی کرده و خواب یا کارهای دیگر را بر نماز عصر ترجیح می دهد؟ در حدیث آمده: «مَنْ فَاتَتْهُ صَلَاةُ الْعَصْرِ فَكَأَنَّمَا وُتِرَ أَهْلُهُ وَمَالُهُ» [متفق علیه].

کسیکه نماز عصر از او فوت شود مانند اینکه أهل و مال او از بین رفته است، و در حدیث دیگر: «فقد حبط عمله» مانند اینکه تمامی اعمال و کردار او نابود شده است. یعنی نماز را از وقت خود خارج کرده، و اگر از وقت آن خارج شود مانند اینکه از او فوت شده است.

هشتم: فرشتگانی هستند که به حفظ و نگهداری انسان از هلاکت مأمورند، زیرا انسان راه می رود در حالیکه در خطر است، ولیکن خداوند فرشتگانی را مأمور کرده تا انسان را از خطر این دنیا که مقدر و سرنوشت او است نگهداری کنند.

و این زمین که انسان بر آن زندگی می کند در آن خطرهای وجود دارد از قبیل حیوانات وحشی، و مارها، و عقربها، و در آن طاغوتهایی از بشر وجود دارد، و همچنین در آن ظلم و ستم وجود دارد، ولیکن خداوند این فرشتگان را قرار داده تا انسان را نگهداری کنند چنانکه می فرماید: ﴿لَهُ

مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ﴾ [الرعد: ۱۱].

«او از فرارو و پشتِ سرِ خویش فرشتگانی پیاوند دارد (که او را نگهداری می کنند)».

به دستور خداوند او را حفظ می کنند، و مادامیکه خداوند برای او سلامتی نوشته این فرشتگان از او دفاع می کنند و هیچ بشری به او نمی رسد، و اگر خداوند خواست که مرگ و اجل او فرا رسد، فرشتگان او را ترک می کنند. و همیشه یکی از فرشتگان از جلو و دیگری از پشت سر، او را نگهداری می کنند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ﴾ [الرعد: ۱۱].

«خداوند آنچه را که قومی در خود دارند دگرگون نمی سازد تا وقتی که آنچه را در ضمیر خود دارند، دگرگون سازند. و اگر خداوند برای قومی بدی را اراده کند، آن باز گرداندنی ندارد».

اگر سرنوشت او آمد و خداوند هلاکت آن انسان را خواست فرشتگان که مأمور نگهداری او هستند او را ترک می کنند، زیرا آنان خلاف فرمان خدا عمل نمی کنند.

نهم: فرشتگانی در این جهان هستند که مأمورند به اعمال و کرداری که جز خداوند کسی آنرا نمی داند.

فرشتگانی هستند که به دریاها مأمورند، و فرشتگانی هستند که به رودها مأمورند، و دیگرانی هستند که به اعمال و کردار بسیار زیاد دیگر مأمورند، این عالم و جهان که این همه رویدادها در آن پدید می آید همه در تقدیر و

سرنوشت خداوند تعالی هستند، و فرشتگان به فرمان خدا به اجرای اینها می پردازند.

وجوب ایمان به فرشتگان و به آنچه انجام می دهند

از جمله فرشتگان آنها هستند که خداوند نام آنان را برایمان ذکر فرموده است، مانند جبریل و میکائیل و اسرافیل و مالک نگهبان جهنم: ﴿وَنَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّنَا﴾ [الزخرف: ۷۷].

«و (دوزخیان) ندا دادند: ای مالک، (بخواه) که پروردگارت کار ما را یکسره کند».

و فرشتگانی هستند که خداوند نام آنان را برایمان ذکر فرموده است، و ما به تمامی آنان ایمان می آوریم چه آنانیکه نامشان ذکر شده و چه آنانیکه نامشان ذکر نشده است، و به اعمال و کرداری که آنان به فرمان خدا آن اعمال را انجام می دهند ایمان می آوریم.

و فرشتگانی هستند در آسمان که مشغول عبادت و رکوع و سجود خدایند، و هیچ جایی از آسمان نیست مگر اینکه فرشته ای از فرشتگان در حال رکوع و سجود خداست.

و فرشتگانی هستند که جز خداوند کس دیگری از آنها خبر ندارد، و ما بطور اجمالی ایمان می آوریم به آن فرشتگان که نام آنها ذکر نشده، و بطور تفصیلی ایمان می آوریم به آن فرشتگانی که نامشان ذکر شده، و آنان را

دوست داریم. و آنها بیشترین کسانی هستند که بنی آدم را به نیکی و خیر نصیحت می کنند، و به نیکی فرمان می دهند، و برای آنان استغفار می کنند، چنانکه خداوند عز و جل می فرماید: ﴿الَّذِينَ تَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ [غافر: ۷].

«کسانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می خواهند».

اختلافاتی که بین عمل فرشتگان و عمل شیاطین وجود دارد

- ۱- فرشتگان تسبیح و تنزیه و سپاس خداوند را می گویند، و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند، و آنها بهترین پند دهندگان و ناصحترین مخلوقات خدا به بنی آدم هستند، و شیاطین از خائن ترین مخلوقات خدا به بنی آدم می باشند، زیرا شیاطین عهد و پیمان بسته اند که تا آنجائیکه بتوانند بنی آدم را گمراه کرده فریب دهند و او را به هلاکت برسانند.
- ۲- فرشتگان به نیکی و خوبی امر می کنند.

و شیاطین به فساد و بدی امر می کنند، چنانکه خداوند می فرماید:

﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾ [الزخرف: ۳۶].

«و هرکس از یاد (خداوند) رحمان غافل شود برایش شیطانی برمی گماریم، و آن (شیطان) همنشین او گردد».

پس کسانی که از قرآن اعراض کرده و به آن پشت کنند خداوند سبحانه و تعالی آنان را عذاب می دهد به اینکه شیطانی بر او مسلط و چیره کرده تا همیشه همراه او باشد. و همچنین می فرماید: ﴿وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ۳۷ - ۳۸].

﴿بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ﴾ [الزخرف: ۳۷ - ۳۸].

«و آنان (شیطانها) اینان (انسانها) را از راه (خدا) باز می گردانند و می پندارد که آنان راه یافته اند. تا هنگامی که (انسان) به نزد ما آید، (به شیطان) گوید: ای کاش بین من و تو مسافت شرق و غرب فاصله بود. چه بد همنشینی بودی».

و چیزی انسان را از شیطان دور نمی کند بجز ذکر و یاد خدای تعالی.

۳- اینکه ذکر خداوند شیطان را از او می راند و فرشتگان نزد او حاضر می شوند.

و به همین سبب شیطان را: الوسواس الخناس نامیده اند.

و هرگاه انسان ذکر خداوند را ترک کرد شیطان بسوی او می آید و هرگاه ذکر خدا کند فرشتگان دور او جمع می شوند، چنانکه در حدیث آمده: «مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ» [مسلم].

هرگاه گروهی از مردم در خانه ای از خانه های خدا (یعنی در یکی از مساجد) کرد آیند تا کتاب خدا قرآن را بخوانند و درسهای آنرا بهم بفهمانند آرامش بر دلهای ایشان فرود آید، و مهر و رحمت خدا ایشان را فرا گیرد، و فرشتگان ایشانرا در بر گیرند، و خداوند ایشان را میان کسانیکه نزد اوست یاد کند.

جاهانیکه فرشتگان به آنجا می روند

فرشتگانی هستند که جهانگردند و در جستجوی حقله های ذکر و درس هستند، و اگر حلقه ای از علم و دانش را دیدند به همدیگر می گویند: بیائید که نیاز خود را پیدا کردیم.

و حلقه های ذکر بسیار است و از آنجمله عبارتند از:

۱- تلاوت قرآن، پس هرکس قرآن را تلاوت کند ذکر خدا را بجا آورده است.

۲- و کسیکه نماز می خواند ذکر خدا را بجا آورده است.

۳- و کسیکه تسبیح و تهلیل و تکبیر و استغفار و سپاس خدا کند ذکر خدا را بجا آورده است.

در اینجا فرشتگان اطراف و پیرامون آنها جمع می شوند و شیاطین از آنها دور می شوند.

۴- کسیکه کتابهای علمی را مطالعه می کند و برای علم و دانش حلقه می زند تا علم و دانش بیاموزد ذکر خدا بجا آورده و فرشتگان پیرامون و اطراف وی جمع می شوند.

جاهانیکه شیاطین به آنجا می روند

۱- کسانی که وقت خود را بیهوده صرف می کنند مانند: مجالس موسیقی و ترانه و تئاتر (صحنه نمایش)، شیاطین پیرامون آنها جمع می شود و فرشتگان از آنها فاصله می گیرند.

۲- کسیکه عکس جاندار در خانه آویزان کند فرشتگان به خانه اش داخل نمی شوند چنانکه در حدیث آمده: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ» [متفق علیه].

فرشتگان به خانه ای که در آن سگ و عکس باشد داخل نمی شوند. پس فرشتگان رحمت به خانه هائیکه در آن عکس وجود دارد داخل نمی شوند، حال اینکه این عکسها بر دیوار آویزان باشد و یا در قالب و صندوق برای یادبودی و قشنگی دیوارها و خانه ها باشد. و این عکسها که

جاندار هستند فرشتگان را فراری می دهند و فرشتگان به چنین خانه هایی داخل نمی شوند.

ولی اگر عکسها برای ضرورت باشد مانند عکس شناسنامه، و گذرنامه، و کارت شناسائی، و گواهینامه، و مانند اینها، برای اینگونه عکسها استثناء وجود دارد، زیرا برای تعظیم گذاشته نشده است. و همچنین عکسهائیکه در قالیچه زیر پا باشد مستثنی است. و قصد ما عکسهائی است که برای یاد بود و فخر نگهداری می شود، و ضرورتی برای آنها وجود ندارد، اینهاست که شیاطین را بخود جلب می کند، و فرشتگان را از خود می راند و از ورود فرشتگان جلوگیری می کند.

نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان

ایمان به فرشتگان تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، و اگر انسان دانست که چنین است احتیاط می کند، و اگر دانست که فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری می کنند، در اینحال احتیاط می کند تا اینکه چیزی بر او نوشته شود. آیا اگر بداند که جاسوسی دنبال او می باشد و از او مراقبت می کند آیا احتیاط نمی کند که ممکن است حرفی بزند و یا کاری انجام دهد که به ضرر او تمام شود؟ پس چطور از فرشتگان پرهیز نمی کند در حالیکه او آنها را نمی بیند و بشر جاسوسها را می بیند، کسیکه تو را نگهبانی می دهد و زیر نظر قرار دارد مواظب خود خواهی شد، ولی فرشتگان تو را می بینند و تو آنها را نمی بینی، ممکن است خود را از بشر پنهان کنی و داخل خانه ای شوی، یا دری بر خود ببندی تا از تو با خبر نشود ولی فرشتگان در هر جا که باشی با تو همراهند. خداوند عز و جل به آنان این قدرت را داده تا هر جائیکه خداوند به آنها فرمان دهد برسند، به همین خاطر خداوند می فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَیْكُمْ

لِحَفِظِینَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَتِیْبِیْنَ ﴿۱۱﴾ یَعْمُرُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾ [الإنفطار: ۱۰ - ۱۲]

خداوند اینرا فرموده تا ما مواظب خود باشیم.

واین ثمره ایمان به فرشتگان است که انسان مواظب گفتار و کردار بد خود خواهد بود، تا اینکه بر او چیزی نوشته نشود، وگرنه روز قیامت مجازات خواهد شد.

هیچ چیز از خدا پنهان نخواهد بود

خداوند عز و جل می فرماید: ﴿إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ﴾

[الطارق: ۴].

«هیچ کسی نیست مگر آنکه (فرشته ای) بر او نگهبان است.»

و خداوند می فرماید: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ [ق: ۱۶].

«و ما به او از رگِ جان نزدیکتریم.»

آیا می دانید الورید چیست؟ ورید انسان رگی است که در دو طرف گردن قرار دارد و خون در آن جاری است، یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ گردن می باشد و در آن خونی است که جسم انسان با آن تغذیه می شود.

خداوند می فرماید: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾

و همچنان می فرماید: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ [الحديد:

۳]. [الحديد].

«اوست اول (و نخست که پیش از او هیچ کس نبوده) و آخر (که همه فنا شوند و او بماند که بعد از او کسی نیست)، و ظاهر (و ما فوق همه) و باطن (و دور از دید همه)».

رسول الله ﷺ در تفسیر این آیه می فرماید: « أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ » [مسلم].

«تو نخستینی که قبل تو چیزی نیست، و تو آخرین که بعد از تو چیزی نیست، تو آشکاری که آشکارتر از تو چیزی نیست، تو پنهانی که پنهانتر از تو چیزی نیست».

پس هیچ چیزی در خشکی و دریا، و رودها، و صحراها، و بازارها، و مساجد، و نماشگاهها، و یا میدانهای بازی، و در همه جا، از خدای عز و جل مخفی و پنهان نخواهد شد.

نیکی ها و بدیها از خداوند مخفی و پنهان نخواهد بود، و به همین خاطر وقتی جبریل علیه السلام از رسول الله ﷺ در بارهٔ احسان و نیکی سؤال کرد، و گفت: مرا از احسان و نیکی با خبر ساز، رسول الله ﷺ فرمود: «الإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» [مسلم].

احسان عبارتست از اینکه خداوند را بگونه ای عبادت نمایی گویا تو را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی همانا او تو را می بیند. و خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُمْ مَا تُؤَسُّوسُ بِهِ نَفْسُهُ ۗ وَخَنُّ أَقْرَبُ

إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِينَ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ
قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ [ق: ۱۶ - ۱۸].

«و ما از رگ گردنش به او نزدیکتر هستیم، دو فرشته ای که گفتار و
کردار شخص را دریافت کرده و آنرا می نویسند که یکی از طرف راست و
دیگری از طرف چپ او نشسته است و همنشین او هست».

و می فرماید: ﴿أَمْ تَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا

لَدَيْهِمْ يَكْتُوبُونَ ﴿٨٠﴾ [الزخرف: ۸۰].

«آیا گمان می برند که ما رازگویی و نجوای آنان را نمی شنویم. آری (می
شنویم) و فرشتگان ما در نزد آنان می نویسند».

پس خداوند حرف زدن آهسته بین دو نفر و راز و نیاز کردن و آنچه سرّ
می باشد می شنود، و فرشتگان آنرا می نویسند و این از نشانه‌های ایمان به
فرشتگان می باشد.

به خاطر دوست داشتن فرشتگان آنان را یادآوری می‌کنیم

ذکر و یادآوری فرشتگان فقط برای علم و دانش و درک چیزی نیست چنانکه تاریخ را مطالعه می‌کنیم، بلکه ما آنان را یادآوری می‌کنیم تا اینکه آماده شویم و بر حذر باشیم که چیزی از بدی‌ها بر ما نوشته شود و روز قیامت مورد بازخواست خداوند قرار گیریم و مجازات شویم. همچنین بخاطر دوست داشتن آنان را یادآوری می‌کنیم، زیرا خداوند آنانرا دوست می‌دارد و همچنین ما آنان را دوست می‌داریم زیرا نیکوترین و فرمانبردارترین مخلوقات خداوند.

چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿كِرَامٌ بَرَرَةٌ﴾ [عبس: ۱۶] «(فرشتگانی) گرامی و نیکوکار».

خلاصه اینکه بایستی قدر و منزلت فرشتگان را بدانیم و آنانرا دوست بداریم، زیرا خداوند آنان را دوست می‌دارد. ولی کسی که با فرشتگان دشمنی کند و آنان را دوست ندارد، خداوند دشمن او خواهد بود. و کسیکه خداوند با او دشمن شود قیامت او بلند شده و حالی نخواهد داشت.

خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ

وَمِيكَائِيلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۹۸].

«کسی که دشمن خدا و فرشتگان او و رسولانش و جبرئیل و میکائیل باشد، (بداند که) خدا دشمنِ کافران است».

و کسیکه با آنان دشمنی کند خداوند دشمن او خواهد بود.

و در پایان از خداوند عز و جل خواستارم که ما و شما را ایمان صادق و علم و دانش مفید و عمل و کردار نیک و صالح عطا فرماید.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.